

# اطلاعیه مشترک

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید  
چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲ ژوئن ۲۰۱۰

کشتار دولت اسرائیل

از بشر دوستان و حامیان مردم محروم غزه

در آخرین روز ماه مه ۲۰۱۰، دولت اسرائیل، با حمله به کشتی‌های حامل کمک‌های انسانی به محاصره شدگان شهرغزه، که مردم بی‌دفاع بسیاری از جمله کودکان را شامل می‌شود نشان داد که به خاطر ادامه اشغال سرزمین‌های مردم فلسطین از هیچ جنایتی رویگردان نیست. کشتی‌های کاروان امدادرسانی غزه حامل ۱۰ هزار تن مواد پزشکی، ساختمانی و ۱۰۰ منزل مسکونی آماده برای اسکان هزاران آواره و ۵۰۰ دستگاه ویلچر برای معلولان بوده است.

این کاروان شامل هشت کشتی بود که از سوی يك ائتلاف بین‌المللی از جنبش آزادی غزه، بنیاد کمک‌های انسان دوستانه ترکیه، کمپین اروپایی رفع محاصره غزه و چند موسسه و نهاد از کشورهای مالزی، یونان، ایرلند و... فرستاده شده بود. فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی بسیاری نیز این کاروان دریایی را همراهی می‌کردند که شمارشان به صدها تن می‌رسید، نویسندگان، روزنامه‌نگار، هنرمند، استاد دانشگاه، فعال سیاسی چپ و انسان دوست، یک بانوی سالخورده از بازماندگان هولوکاست، یک برنده جایزه صلح نوبل، یک افسر ارشد بازنشسته آمریکایی، اعضای از پارلمان اروپا و کشورهای دیگر و چندین گروه از گزارشگران و فیلمبرداران شبکه‌های تلویزیونی در بین همراهان این کاروان دریایی بودند.

مردم محروم غزه بیش از یک سال است که از تامین ابتدائی‌ترین نیازهای انسانی خود مانند آب و غذا و دارو و درمان محرومند و فریادشان از این بی‌داد نه تنها به گوش دولت اشغالگر اسرائیل فرو نمی‌رود؛ بلکه دولت‌های ارتجاعی منطقه و دولت‌های «دنیای متمدن اروپا و آمریکا» نیز نسبت به این سرنوشت تلخ بی‌اعتنائی نشان می‌دهند و تا جایی که بتوانند خاک در چشم آزاده‌خواهی مردم کشورهای خود بریزند، از این محاصره و بیداد پشتیبانی نیز می‌کنند.

در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی، این همپالگی جنایت کار دولت

اسرائیل که خود دست آلوده به خون مردم ایران دارد، برای مردم غزه اشک تمساح می ریزد و در پناه این دفاع دروغین، می کوشد با یاری گرفتن از جنایت های دولت اسرائیل، افکار همگانی را از بحران های موجود در ایران منحرف کند و زمینه و فضا را برای اعدام های بیش تر و سرکوب هرچه گسترده تر مردم ایران فراهم سازد.

دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی و بمب گذاران اسلام‌اش، همگی از یک جنس و قماش اند و جنایت هر یک از آنان، زمینه ساز جنایت دیگری است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، حمله دولت اسرائیل را به کشتی حامل کمک های انسانی و بشر دوستان جهان و کشتن بیش از ده انسان را به خاطر امداد انسانی شان محکوم می کنند و در دفاع از آزادی و برابری انسانی، در برابر تجاوز به حقوق اولیه مردم غزه برای یک زندگی انسانی، همه آزادی خواهان را به اعتراض به این فجایع و کشتار بشر دوستان فرامی خوانند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید

انجمن قلم ایران در تبعید

سوم ژوئن ۲۰۱۰

## نمایندگان اروپا با عکسهای ندا به جمهوری اسلامی "نه" گفتند

جمعه ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ - ۴ ژوئن ۲۰۱۰

محسن سید میر حسینی

منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران در حالی سفر خود به بروکسل را موفقیت آمیز خوانده است که نمایندگان اروپا با عکسهایی از ندا به استقبال آمدند

<http://www.youtube.com/watch?v=SZ4hoLscqpI&feature=related>

این اقدام اروپا نشانه های خوبی به جمهوری اسلامی ارائه نمی کند و

به نظر می‌رسد دور بعدی تحریم‌ها به زودی تصویب خواهد شد. در حال حاضر طرح بعدی قطعنامه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در حال بررسی است و احتمالاً در روزهای آینده صادر خواهد شد.

جمهوری اسلامی که به طرح تبادل هسته‌ای خود امیدوار بود یا لااقل خود را امیدوار نشان می‌داد در حال حاضر حل مشکل اتمی را مبتنی بر دو مساله "همکاری" و یا "رویارویی" می‌داند.

متکی روز چهارشنبه در بروکسل، پایتخت بلژیک، گفت که برای حل مشکل اتمی ایران دو راه وجود دارد، "یکی بر همکاری مبتنی است و دیگری بر رویارویی" و افزود که صدور قطعنامه برای تحریم جمهوری اسلامی "مبنایی برای بروز رویارویی است."

کنگره آمریکا در نظر دارد قانون تحریم گسترده ایران که شامل تحریم تامین کنندگان بنزین وارداتی ایران می‌شود را در ماه ژوئن و احتمالاً پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت تصویب کند.

جمهوری اسلامی پیش از این در مقابل، بحث بستن تنگه خلیج هرمز را مطرح کرده بود که مقامات آمریکایی این مساله را خیالبافی عنوان کرده بودند زیرا در صورت بروز چنین اتفاقی نه تنها اقتصاد جهان به خطر می‌افتد بلکه برای ایران نیز این مساله یک خودکشی اقتصادی است. با این حال ارتش جمهوری اسلامی این مساله را خیالبافی ندانست.

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز اظهارات مشابهی در این خصوص ابراز داشته است. وی هشدار داده بود در صورتیکه آمریکا دست از پا خطا کند، جریان انرژی در منطقه به خطر می‌افتد. اما تصور نمی‌رود که مقصود منوچهر متکی از گفتن "رویارویی" بستن تنگه هرمز باشد زیرا در اینصورت پیامدهای سنگینی به دنبال خواهد داشت.

در حال حاضر حدود 40 درصد از نفت جهان از طریق تنگه هرمز به دست مصرف کنندگان می‌رسد و نگرانی‌هایی در خصوص بسته شدن این تنگه وجود دارد، با این همه به نظر نمی‌رسد که مقامات جمهوری اسلامی خود را در معرض خطرات بیشتری قرار دهند.

با وجود اینکه برخی کارشناسان امکانات جمهوری اسلامی برای بستن تنگه هرمز را محدود می‌دانند، اما بسیاری از کارشناسان آمریکایی برگزاری مانورهای جنگی توسط جمهوری اسلامی در خلیج فارس را نوعی آمادگی برای بستن تنگه هرمز می‌دانند. در همین راستا جمهوری اسلامی ادعا کرده که در مانورهای جنگی خود با موفقیت توانسته طرح بستن تنگه هرمز را عملی کند.

بستن تنگه خلیج فارس برای کشورهای حاشیه‌ای تهدید بسیار جدی تلقی می‌شود. پیش از این سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان گفته بود که

بستن تنگه هرگز اقدام جنگی خواهد بود و اعلام جنگ بین المللی به جهان است. با وجود اینکه جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده که دست از مواضع هسته ای خود بر نخواهد داشت اما باید دید که آیا رهبری این نظام در نهایت "جام زهر" را خواهد نوشید و به همکاری تن خواهد داد و یا به قول متکی گزینه "رویارویی" را انتخاب خواهد کرد.

## سه دلیل روان شناختی اجتماعی برای لغو مجازات اعدام در ایران



چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲ ژوئن ۲۰۱۰

فرهنگ قاسمی

زمان آن فرارسیده است که ماشین اعدام ها در ایران هر چه زودتر متوقف شود و احکام صادر شده باطل گردند. ما باید دست در دست برای لغو حکم اعدام در ایران کوشش کرده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران هشدار دهیم تا از اقدامات نا عادلانه خود دست برداشته اعدام انسانها را تعطیل سازد

برآیند روابط عشق و دوستی، حاکمیت همزیستی و همسازی انسانها است، بر عکس کشتن و اعدام غیرارزشانه بارز انزوا و نگون بختی و تنفر از زیبایی ها و بالندگی نوع بشر نیست. طی قرون متمادی جامعه بشری شاهد کشتار انسانها در اثر کشورگشایی بوده است، جنگ های منطقه ای صدها هزار نفر از مردم جهان را نا بود و از خانه و کاشانه خود آواره کرده است. حاکمیت ها و دولت های دیکتاتور انسان ها را از جمله به علت عقیده، دین، قومیت، نژاد و ... به جوخه های اعدام و کوره های آدم سوزی سپرده و دست به کشتار جمعی زده اند. این رفتار نشان میدهد که روان و طبیعت پاره یی از انسان تا چه اندازه قابل تنزل است.

در مقابله با این رفتار غیر انسانی و خشن در قرن بیستم در پاره‌یی از جوامع پیشرفته زنان و مردان بشر دوست، روشنفکر و آزادی‌خواه در مقابل بی‌عدالتی‌ها برخاسته و نسبت به این قواعد و قوانین عقب مانده انتقاد و برای انهدامشان ایستادگی کرده‌اند و آزادی اندیشه و بیان انسان را در جوامع بشری خواستار شده‌اند. اینان در پروسه جستجوی افق‌های تازه<sup>۱</sup> پیگیرانه<sup>۲</sup> خود تا جایی پیش رفته‌اند که حکم اعدام را از قوانین جزائی جامعه خود پاک کرده و لغو آنرا قانونی ساخته‌اند.

امامتاسفانه، هنوزدر جامعه جهانی رژیم‌هایی وجود دارند که اعدام و کشتن افراد دگر اندیش جامعه خود را به دلایل گوناگون و بی‌توجه به حقوق انسانی آنان ادامه می‌دهند. سکوت در برابر احکام اعدام فرا تر از قبول اهانت به انسان و غلطیدن در معیارهای وحشیگری نوع بشر است، پس باید به ضرس قاطع در مقابل آن قد راست کرد. به نظر می‌رسد که سه دلیل روان‌شناختی اجتماعی زیر ما را بر آن میدارد تا علیه حکم مجازات اعدام با پا فشاری و بیدرنگ اقدام کنیم.

۱- در یک جامعه مدرن انسان و حقوق اولیه و طبیعی او بالا ترین ارزش و منزلت را دارد و باید بی‌هیچ بهانه‌ای این حقوق توسط حاکمیت و جامعه محترم شمرده شوند. هیچ فردی از مادر جانی یا گناهکار به دنیا نمی‌آید. اگر جرم و جنایتی از برخی سر میزند جامعه و حاکمیت در این امر بی‌تقصیر نیستند. پس این وظیفه سیستم اداره کننده جامعه است که از تولید افراد گناهکار با بکارگیری آموزش و پرورش درست جلوگیری کند و اگر این جلوگیری به اندازه کافی مفید واقع نشد وسائل اصلاح و تادیب آنها را در چهارچوب رعایت احترام به حقوق انسانی او فراهم آورد.

۲- کشتن یک انسان بوسیله یک انسان دیگر یعنی فردی که مجازات اعدام را اجراء میکند و در اصطلاح جلاد نامیده میشود بدون تردید از نظر روانی در او تاثیر منفی میگذارد و اثرات آن او را از خلیقات انسانی دور می‌کند و رفتارش نسبت به اطرافیان نمی‌تواند در جامعه بی‌تاثیر باشد این اثرات بی‌تردید در بازتولید شکنجه و جنایت نقش بازی میکنند.

۳- وقتی حکم اعدام در مورد فردی اجراء میشود اطرافیان اعدامی دچار ضربه روانی و آشفتگی میشوند: اگر پدری را اعدام می‌کنند پدر، مادر، زن، فرزندان، خواهر، برادر و نزدیکان او نیز مورد بی‌عدالتی قرار می‌گیرند. گاهی این بی‌عدالتی میتواند تاثیرات بسیار ناگواری در بازماندگان او داشته باشد. پس اعدام یک فرد در واقع

میتواند دهها نفر دیگر از اعضاء خانواده و نزدیکان او را آزار دهد. چه کسی باید جبران این اقدام نا عادلانه و غیر انسانی را در مورد نزدیکان یک اعدامی بکند؟

جمهوری اسلامی ایران یکی از حاکمیت هایی است که از دو دهه آخر قرن بیستم تا به امروز مردم ایران را به دلیل دگراندیشی و آزادیخواهی و طرفداری از اصول ابتدائی جامعه مدنی تک تک و بطور گروهی میکشد، احکام اعدام در این رژیم بر اساس قوانین جامعه بدوی توسط قضات دینی و قوانین اسلامی هر روز صادر و اجراء می گردند. امروز، جمهوری اسلامی ایران از نظر تعداد اعدام شده گان در رده دوم جهان قرار دارد.

هر روز خشونت این رژیم نسبت به شهروندانش بیش از پیش میشود . در روزهای اخیر جمهوری اسلامی دهها تن دیگر را به دلائل باطل، بدون رعایت اصول ابتدایی قضاوت، بی توجه به حق دفاع متهمین و برخورداری از حق داشتن وکیل آزاد اعدام و از تحویل اجساد اعدام شدگان خود داری می کند.

امروز دهها زندانی سیاسی دیگر که توسط همین دادگاه های اسلامی به مرگ محکوم شده اند در راهرو های مرگ در انتظار اعدام هستند. مردم ایران که از این کشتارها بسیار ناراحت و نگران است حق کوچکترین اعتراض به رفتار قضائی رژیم و به احکام صادر شده را ندارد، کمترین اعتراض را رژیم جمهوری اسلامی با ضرب و شتم و شکنجه و زندان و اعدام پاسخ میدهد.

زمان آن فرارسیده است که ماشین اعدام ها در ایران هر چه زودتر متوقف شود و احکام صادر شده باطل گردند . ما باید دست در دست برای لغو حکم اعدام در ایران کوشش کرده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران هشدار دهیم تا از اقدامات نا عادلانه خود دست برداشته اعدام انسانها را تعطیل سازد.

ما باید از مردم ایران در هر کجای دنیا که هستند ، از آزادیخواهان جهان ، از همه ترقیخواهان، روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و از زنان و مردان سیاسی معتقد به لغو حکم اعدام تقاضا کنیم با اقدامات عملی و عاجل خود برای لغو حکم اعدام در ایران هم گام و هم صدا شوند.

یازدهم خرداد ۱۳۸۹ برابر اول ژوئن ۲۰۱۰

پاریس

# بحران اتمی حافظ موجودیت جمهوری اسلامی

یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۹ - ۳۰ می ۲۰۱۰

م. نکوکار

در روزهای اخیر شاهد شعبده بازی های تازه ای از جانب سران جمهوری اسلامی و خصوصا خود احمدی نژاد برای به ظاهر حل بحران هسته ای هستیم در این میان نقش بازیگران جدید این صحنه یعنی ترکیه و برزیل نیز خود جای تامل دارد. چرا که این دو کشور با مداخله در این جریان خصوصا با حمایت از پیشنهادی که عملاهیچکدام از خواسته های اساسی جامعه بین المللی را بر آورده نمیکند در واقع اعتبار بین المللی خود را بر روی میزی به قمار گذاشتند که باخت آن از پیش مشخص بود، اینرا در سخنان آقای اردوغان قابل از مسافرت به ایران به وضوح کامل میتوانست احساس کرد. حال باید این پرسش را مطرح کرد که اینبار قدرتمداران کدام مصلحت و یا ثروت ملی را فدای پیشبرد اهداف خود کرده اند، اهدافی که در خوشبینانه ترین حالت آنها مشکوک باید نامید. آیا داستان ۱۸ میلیارد دلاری که سال گذشته مدتی نقل محافل و مطبوعات بود و آقای اردوغان آنها هدیه ای خواند که از آسمان در دامن اقتصاد بحرانی ترکیه افتاد، نرخی بود که برای یک چنین سودایی باید پیش پرداخت میشد؟ و در این میان سهم برزیل در کدام معامله پشت پرده پرداخت شده بود؟

گذشته از نقش این دو کشور که به نظر من تغییری در ماهیت حرکت جمهوری اسلامی نمیدهد باید دید که در وهله اول آیا اساسا ج-ا خواهان حل مساله اتمی هست

بررسی اجمالی تاریخچه پرونده اتمی ایران و شرایط کنونی شاید پاسخ این پرسش را در بر داشته باشد،

آنچه که انکار آن از نظر من امکان پذیر نیست این است که جمهوری اسلامی از ابتدای پیدایش موجودیت خود رامدیون ایجاد و تشدید بحران، چه در داخل و چه در صحنه بین المللی بوده و این مشخصه هر حکومت دیکتاتوری و توتالیتر است که در سایه بحرانهای خود ساخته و به بهانه این بحرانها مخالفان خود را با کمترین هزینه سرکوب کند. همه ماهران بخاطر داریم که چگونه جمهوری اسلامی مدت کوتاهی

قابل از پایان یافتن جنگ ۸ ساله و نوشیدن جام زهر توسط خمینی مهلک ترین ضربه را بر پیکر مبارزات مردمی و مردم مبارز فرود وارد و هزاران تن از بهترین و فرهیخته ترین جوانان این آب و خاک را به دست جلادان سپرد.

بعد از پایان این جنگ و دوران به اصطلاح سازندگی رفسنجانی وقتی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ علیرغم تمایل آشکار آقای خامنه ای، به جای آقای ناطق نوری، خاتمی از صندوق های آرا بیرون آمد، دوره ای آغاز شد که در آن در سایه فضای آزاد نیم بندی که پدید آمده بود مردم و خصوصا جوانان این امکان را پیدا کردند که به خواسته هایشان بپردازند و آنها را مطرح کنند، و این مساله در مدت کوتاهی موجب شد که نگاه جهانیان کمی بیشتر متوجه اوضاع داخلی ایران شود. جناح سرکوبگر و تمامیت خواه که در این شرایط خصوصا بعد از سرکوب دانشگاه هزینه سرکوب علنی را بسیار بالا ارزیابی کرده بود نیاز شدیدی به ایجاد یک بحران دیگر پیدا کرده بود که بتواند بر دیگر توجه جهانیان را از اوضاع داخلی ایران منحرف کند. به عبارت دیگری از نظر من جمهوری اسلامی با محاسبه ضعف بین المللی در مورد اقدام مشترک عملی، دست به یک قمار حساب شده زد و برای منحرف کردن افکار جهانیان از اوضاع داخلی ترتیبی داد که گوشه ای از فعالیت های هسته ایش آشکار شود. در سالهای اخیر همه ما شاهد بوده ایم که این مساله چگونه در هر مقطعی که جمهوری اسلامی با بحرانی مواجه بوده به داد زورمداران رسیده و مانند پرده ای از دود مانع شده که جهانیان آن توجهی که لازم است به مسائلی چون حقوق بشر و سرکوبهای داخلی داشته باشند. البته پر واضح است که این سیاست تا کنون هزینه های وحشتناکی بر گرده اقتصاد بیمار کشور و طبقات کم درآمد ایران گذشته است. در این میان میتوان به اجمال از واردات بی حساب و بی حد و حصر از چین که بنیاد تولیدات داخلی را از صنعت تا کشاورزی برانداخته است، قراردادهای نظامی کمرشکن با روسیه و گذشت از بخش اعظم سهم ایران از دریای خزر و دهها نمونه از این دست اشاره کرد.

به عبارت دیگر قدرتمداران جمهوری اسلامی برای حفظ موجودیت خود حاضر به پرداخت هرگونه هزینه ای به حساب مردم و خاک ایران هستند. بعد از حدودا یک سالی که از خیزش مردمی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و آشکار شدن هرچه بیشتر جنایات جمهوری اسلامی بر علیه مردم آزادیخواه ایران در تمام دنیا میگذرد. در اثر جانفشانیهای مردم امروز دیگر کمتر کشوری در جهان پیدا میشود که حاضر باشد حیثیت و اعتبار خود را در گرو حمایت از رژیم جنایتکاری چون جمهوری اسلامی بگذارد و سرنوشت خود را به حیات رو به زوال این رژیم گره بزند خصوصا که روز به روز آشکارتر میشود که در اثر سیاستهای بیخردانه دولت

احمدی نژاد در زمینه اقتصادی دیگر کفگیر ثروت بیکران نفتی هم به ته دیگ میخورد. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبشی که نفسهای داغش را بر گردن خود احساس میکند نیاز به ایجاد بحرانی گسترده تر از همیشه دارد چرا که بخوبی آگاه است که اینبار دیگر با جنبشی رو در رو است که جز به سرنگونی ارکان این رژیم رضایت نخواهد داد.

از طرف دیگر سرکوبگران جمهوری اسلامی که در یک سال گذشته از هیچ جنایتی در حق آزادیخواهانی که در کمال آرامش و متانت خواستار پایه ای ترین حقوق شهروندی خویش هستند دریغ نکرده است و هر روز با گسترده تر کردن دامنه جنایات خود تلاش در تمدید حیات این حکومت محکوم به مرگ دارد، احساس میکند که هزینه این سرکوبها بطور غیر قابل تحملی در عرصه داخلی و بین المللی افزایش میابد. حرکت گسترده مردم در داخل و خارج کشور بعد از اعدام پنج نفر در نهم ماه مه گذشته موید این امر بود.

با چنین تحلیلی از ماهیت جمهوری اسلامی از یک سو و تغییر لحن و رفتار جامعه جهانی در مقابل این حاکمیت از طرف دیگر و با توجه به شرایط اپوزسیون، ادامه شرایط کنونی دو راه بیشتر فراروی جمهوری اسلامی نمی گذارد

راه اول تکرار تجربه سال ۶۷ است که قبل از سر کشیدن جام زهرچشم پوشی از حق مسلم شان دست به کشتاری وسیع از آزادیخواهان و نخبگان بزنند به امید اینکه با سر کشیدن جام زهر خاک در چشمان جهانیان پاشند و اوضاع را باز چند صباحی به نفع خود تغییر دهند.

راه دوم با پا فشاری بر مواضع اتمی خود و ادامه سیاست های تحریک آمیز خود در منطقه در واقع راه را برای جناحهای جنگ طلب چه در امریکا و چه در اروپا چنان هموار کنند که به اسرائیل برای حمله به تاسیسات اتمی ایران چراغ سبز بدهند که این امر با توجه به مواضع اکثر قریب به اتفاق کشورهای عربی که اکنون آشکارا نگرانی خود را از ملاحای مسلح به سلاح اتمی ابراز میکنند چندان دور از ذهن نیست. در سایه چنین جنگی است که ج.ا. امیدوار است مدت زمانی دیگر موجودیتش را حفظ کند.

با توجه به این شرایط ناگفته پیداست که اپوزسیون از نظر زمانی در یک تنگنا قرار دارد و هر لحظه ای که از دست میرود فرصتی است از دست رفته که میتواند سرنوشت جنبش را به چنین ناکجا آبادی بکشاند. به نظر من حفظ و گسترش شرایطی که بعد از اعدام پنج نفر در بین

اپوزسیون چه در داخل و چه در خارج از کشور از نظر همبستگی پیش آمداساسی ترین کلید برای گسترش حرکات اعتراضی به شکلی است که از طرفی امکان و فرصت سرکوب را در داخل از ج.ا بگیرد و از جانب دیگر جامعه جهانی را به سمتی سوق داد که به جای عمده کردن مساله اتمی و آب ریختن به آسیاب جنگ طلبان ج.ا تلاش خود را متوجه مسائلی چون حقوق بشر و... بکنند. بیایید با ادامه حرکات مشترک و گسترده به جهانیان نشان دهیم که تنه‌اراه مقابله با جاه طلبی‌های رژیم که خنده جوانان دانشجو و شادی کودکان را در مهد کودک تهدیدی برای موجودیت خود میدانند، حکومتی که برای حفظ خود بالاترین تعداد اعدامها را در جهان دارد و جنایاتش در زندانها شاید در تاریخ معاصر دنیا بی سابقه است. حمایت از مبارزات مردم و بایکوت سیاسی و اقتصادی این رژیم است. بیایید به مردم جهان ثابت کنیم که اگر این جنبش مجبور به عقب نشینی طولانی مدت شود و این رژیم فرصت پیدا کند، اینبار صلح منطقه و جهان است که با خطرات جدی مواجه خواهد شد.

بیست و هشتم ماه مه ۲۰۱۰

---

## مدخلی بر بحث فدرالیسم

یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۹ - ۳۰ می ۲۰۱۰

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

توضیح:

مطلب زیر که تحت عنوان "مدخلی بر بحث فدرالیسم" از نظر می‌گذرد، تلاشی است برای مشارکت در مباحثی که به مسئله ملی در ایران می‌پردازد. با توجه به تنوع و ویژگیهای جامعه ایران، موضوع دخالت و مشارکت سیاسی تمامی مجموعه‌های ساکن آن در ایجاد نظامی دمکراتیک، یکی از موضوعات مهم در شرایط کنونی است.

کنگره هشتم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در سال ۱۳۸۷، مبنای سیاست ائتلافی خویش را در ۹ ماده تعیین نمود. این سند ضمن تاکید مجدد بر تامین حقوق دمکراتیک ملیتهای ساکن ایران، در بند ۷ نظر خویش را در مورد شکل حکومتی پیشنهادی بدینگونه بیان کرده است:

” سپردن اداره امور به دست منتخبین مردم در سراسر کشور، انتخاب شکل مناسب برای عدم تمرکز قدرت در دولت مرکزی از جمله فدرالیسم به عنوان یک شکل مناسب و شناخته شده در سطح بین‌المللی.”

از آنجا که به فدرالیسم، به عنوان یکی از اشکال مناسب، برای اولین بار در اسناد این سازمان، اشاره شده و نیز با توجه به ضرورتی که شناخت هر اندازه بیشتر و ممکن از این مدل حکومتی برای اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه ایجاد می‌کند، کنگره مقرر ساخت تا در این مورد کاری ویژه صورت گیرد و نتیجه کار در اختیار کنگره آتی برای تصمیم‌گیری قرار داده شود. بدین منظور “گروه کار فدرالیسم” تشکیل شد این گروه پس از یک دوره مطالعات و مباحث، مطلب زیر را به عنوان طرح بحث، برای کنگره نهم سازمان و نیز برای دیگر نیروها و فعالین درگیر در این بحث، منتشر می‌کند.

بی‌گمان این مطلب خالی از اشکال و نقص نیست. ما از تمامی نقد، اظهارنظر و پیشنهادات سازنده، صمیمانه استقبال می‌کنیم.

گروه کار فدرالیسم

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ - ماه می ۲۰۱۰

[مدخلی بر بحث فدرالیسم](#)

---

## بازتاب خبر آزادی جعفر پناهی

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۶ می ۲۰۱۰



بسیاری از روزنامه های آلمان خبر آزادی جعفر پناهی کارگردان ایرانی را بطور اختصاصی انعکاس دادند.

پناهی بیش از دو ماه پیش به دلیل نامعلوم در منزلش بازداشت شد که به گفته برخی منابع خبری دلیل بازداشت وی تصمیم به ساخت فیلمی درباره اعتراضات پس از انتخابات ایران بوده است.

وی از بیست و ششم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زده بود. این کارگردان پس از آزادی برای مداوا به بیمارستان منتقل شده است.

خبرگزاری دانشجویی ایران (ایسنا) به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی

دادسرای عمومی و انقلاب تهران گزارش داد که آزادی جعفر پناهی به دستور بازپرس و با تأیید دادستان صورت گرفته است. دادسرای انقلاب اعلام کرده که پرونده اتهامی جعفر پناهی با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال خواهد شد.

بسیاری از هنرمندان جشنواره کن نگرانی خود را از وضعیت جعفر پناهی که به عنوان عضو هیات داوران جشنواره کن انتخاب شده بود، اعلام کرده بودند. صندلی پناهی در این جشنواره خالی بود درحالیکه نام وی روی آن نوشته شده بود.

رسانه های خبری در جشنواره کن بخش ویژه اخبار خود را به وضعیت پناهی اختصاص داده بودند و کنفرانس خبری در این خصوص برگزار شد.